



ساحل امن و آرام نسل‌ها

حجت‌الاسلام سجاد کرمی
فعال در عرصهٔ تعلیم و تربیت

ساحلی امن برسازند؟ چه کسی مسئول تحقق این آرزوی بزرگ است؟ اگر دنبال کنندهٔ مطالب شماره‌های پیشین بوده باشید، پاسخ درست را می‌دانید: «هویت بخشی» به نسل‌ها، اکسیر اعظم این هدف است و کانون هویت بخشی، مدرسه است و محور آن، معلم. پیش از این، از معنای هویت و ضرورت هویت بخشی به نسل‌ها سخن گفتیم، جایگاه و نقش معلم در هویت بخشی را به‌جمال مورد بحث قرار دادیم و از چالش‌های معلمی در این مسیر حرف زدیم. اکنون نوبت آن است که بدانیم این مرهم را بر کجای زخم زندگی انسان باید گذاشت؟ به تعبیر بهتر، باید روشن شود هویت چه ابعادی دارد و هریک از آن ابعاد، در حیات فردی و اجتماعی انسان چه نقشی خواهد داشت؟

هویت دینی

انسان با جهان بینی اش شناخته می‌شود. هیچ انسان یا جامعه‌ای نیست که بینشی مخصوص به خود نسبت به عالم هستی نداشته باشد. جهان بینی تفسیری است که انسان از دنیا و پدیده‌های

انسان در سنن کودکی و نوجوانی درگیر انبوهی از تلاطم‌هاست. زندگی او به‌مثابهٔ قایقی است که موج‌های ریزودرشت می‌توانند آن را به این سو و آن سو ببرند و با اندک غفلتی غرق کنند. اینکه چرا یک انسان نابالغ ممکن است اسیر موج‌ها شود، تا حدودی به نیاز او برای پهلوی گرفتن در ساحلی آرام و امن برمی‌گردد که البته فعلاً موضوع بحث ما نیست. اما اینکه چگونه می‌توان حیات یک نوجوان یا کودک را به کشتی استواری در امواج ناخدايي کاربرد تبدیل کرد، ضرورت و فوریتی انکارناشدنی دارد. نوجوان و جوان اگر همچنان در این تلاطم‌ها دست‌وپا بزنند یا به سمت و سویی ناصحیح بروند، کل جامعه به خطر می‌افتد؛ چراکه او بزرگ‌ترین سرمایهٔ یک ملت برای رقم‌زدن تحول و پیشرفت است و سردرگمی یا کج‌روی اش جامعه را دچار دردسرهای جدی و گاه غیرقابل جبران می‌کند. پس لازم است نسل‌های ما هر چه زودتر از این امواج رهایی یابند. سؤال اینجاست که چنین امر مهمی چگونه محقق می‌شود؟ چه چیزی قادر است انسان را در طوفان‌ها به نخلی تناور تبدیل کند و کشتی او را به

آن دارد و نسبتی است که میان اجزای عالم برقرار می‌داند. این نگرش، خواه‌ناخواه مسیر زندگی انسان را تعیین می‌کند و به او جهت می‌دهد؛ برنامه‌ای برای زندگی. به‌عنوان مثال، کسی که جهان‌بینی توحیدی دارد و تمام عالم را بنده خدا و در برابر عظمت او ناچیز می‌پندارد، هرگز ترسی از کسی به دل راه نمی‌دهد و کسی جز خدا را شایسته آن نمی‌بیند که در مقابلش زانو بزند. چنین دیدگاهی انسان را به‌سوی برقراری اهداف و ارزش‌هایی متعالی چون آزادی، عدالت و رفع فاصله طبقاتی سوق می‌دهد.

اثر ایجاد و تقویت هویت دینی در نسل‌ها، پیوند دادن آن‌ها با فطرت و سرشت طبیعی خودشان و عالم هستی مبنی بر حرکت تکاملی است. در نتیجه تقویت هویت دینی، دامن عقل انسان از هواها و هوس‌ها نیز بی‌راسسته می‌شود. بدین ترتیب استعدادها و ظرفیت‌های او بیشتر شکوفا می‌شوند. معنابخشی به زندگی، ایجاد جامعه اخلاق محور و عاری از ردایل، تأمین نیاز اساسی انسان به معنویت، کاهش خلأهای روحی و آسیب‌های روانی، داشتن انگیزه بی‌پایان برای حرکت تحولی و پیشرفت‌گرایی و رفع مشکلات متعدد احاد جامعه در قالب دستورات دینی از ثمرات فراگیری و تثبیت هویت دینی در میان مردم جامعه هستند.

معلم اگر در صدد تقویت هویت دینی در میان دانش‌آموزان است، باید بکوشد ابتدا این هویت در خودش به نحو احسن متجلی باشد. شاگردان آیین تمام‌نمای معلم خود هستند و خارج از متون درسی، شخصیت، هویت، اخلاق و سلوک معلم بر دانش‌آموزان تأثیر گذار است.

آنچه در مرحله بعد باید مدنظر واقع شود، ایجاد گرایش به دین، معنویت و اخلاق است. این راه میانبر برای هویت‌بخشی به کودکان و نوجوانان است. توجه کنیم اطلاعات دینی لزوماً هویت‌بخش نیستند، بلکه باید در آن‌ها گرایش و شوق زیادی نسبت به دین ایجاد شود تا بتوانند موتور محرکه آن‌ها برای تحقق هویت دینی باشند. فرار گرفتن در فضاهای معنوی، همکاری و تعاون در رقم‌زدن رویدادها و مراسم دینی، دریافت درست مفاهیم عالی و جذاب دین، به‌خصوص ارزش‌های فطری، از اهم مواردی هستند که به تقویت گرایش افراد کمک می‌کنند.

از سوی دیگر، دین فقط یک مقوله اخروی نیست و رسالت مهم آن آباد کردن دنیای انسان‌هاست. از رهگذر آباد کردن دنیاست که دین سعادت اخروی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. این نکته‌ای است که در تربیت دینی نسل‌ها و تقویت هویت دینی در آن‌ها باید لحاظ شود. باید بکشیم به دانش‌آموز بقبولانیم که با دین، زندگی بهتر می‌شود. دانش‌آموز باید با مصداق‌های متعدد روبه‌رو شود تا کارآمدی دین را دریابد و به‌علاوه، ناکارآمدی‌های موجود را نه در نسبت با دین، بلکه از منظر فاصله گرفتن از ارزش‌های دینی تحلیل و تفسیر کند. در نتیجه چنین نگرشی، فرد به جای اینکه عامل ناکارآمدی‌ها را دین بداند و از دین‌داری فاصله بگیرد، با مشاهده هر کژکارکردی، از موضع مطالبه‌گر وارد می‌شود و عمل به دین را از دیگران مطالبه می‌کند.

مرحله بالاتر در هویت‌بخشی دینی، تبدیل انسان دین‌دار منفعل به کنشگر فعال اجتماعی است. هویت دینی آنجا متکامل می‌شود که فرد دین‌دار بپذیرد یک «مسلمان مسئول» است. مسلمان بودن

و مسئول بودن لازمه یکدیگرند. بی‌تفاوتی در قاموس انسان دین‌دار جایی ندارد. او در قبال فقر، بی‌عدالتی، اسارت انسان‌ها در هواها و هوس‌ها، جهل احاد جامعه و عقب‌ماندگی‌ها وظیفه دارد. وظیفه او هم البته غرزدن و فقط فریادزدن نیست، او باید برای برطرف کردن خلأهای جامعه، متناسب با استعداد خود، به میدان بیاید. انسان مسلمانی که جهان‌بینی توحیدی‌اش او را به میدان می‌آورد تا تحولات را رقم بزند، تجلی‌گاه اوج هویت دینی است. اینجا همان مرتبه شهید حاج قاسم سلیمانی‌هاست.

هویت ملی

هویت ملی به تعبیری تمام داشته‌های یک فرد را شامل می‌شود. به تعبیر دیگر، «هویت ملی مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود» (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۳-۲۲۸). این بعد از هویت شامل ابعاد و عناصری چون فرهنگ، زبان، جامعه، سیاست، دین و جغرافیاست. دانش، دانشمندان، مفاخر و اندوخته علمی از عناصر هویت ملی یک ملت هستند. رسم‌الخط، زبان، ادبیات، شعر، موسیقی و هنر از مؤلفه‌های هویت ملی هستند. تاریخ و حوادث آن با تمام فراز و نشیب‌هایش بخشی از هویت ملی هر جامعه را حکایت می‌کنند. آداب‌ورسوم، پوشش، قومیت، سبک زندگی و روابط، بخش دیگری از مؤلفه‌های هویت ملی را نمایندگی می‌کنند. معماری، مظاهر تمدنی و محصولات مادی نیز عناصری دیگر از هویت ملی هستند. این مؤلفه‌ها همگی بیانگر گستردگی هویت ملی و البته اهمیت آن‌اند. اصالت انسان‌ها و احساس اعتمادبه‌نفس در آن‌ها، در گروی تقویت هویت ملی است. اگر هویت ملی در افراد جامعه متزلزل شود، تبار فکری، فرهنگی و تاریخی آن‌ها متزلزل می‌شود و به افرادی بی‌افتخار، بی‌دست‌آورد و بدون پیشینه بدل می‌شوند.

همان‌گونه که خودتحقیری در برابر دیگران، هویت ملی را متزلزل می‌کند، تشخص و احساس بزرگی کردن نیز هویت ملی را در افراد تقویت می‌کند. معلمان باید بکوشند با وجود برخی نقاط منفی، احساس اعتمادبه‌نفس را در دانش‌آموزان تقویت کنند و از بروز حس تحقیر در مقابل بیگانگان در دانش‌آموزان جلوگیری کنند. یکی از مؤلفه‌هایی که به ملت‌ها اعتمادبه‌نفس و هویت می‌بخشد، قهرمانان آن‌ها هستند. ملت بی‌قهرمان، اعتمادبه‌نفس پایین‌تری دارد و ملتی که قهرمان دارد و قهرمان‌های خود را می‌شناسد، به‌مراتب بر پیشینه افتخارآمیز خود تکیه بیشتری خواهد داشت و از این رهگذر احساس اعتمادبه‌نفس و قدرت می‌کند. بکشیم بدون خودتحقیری، نقاط درخشان و افتخارآمیز خود را به دانش‌آموزان بنمایانیم و از این منظر در وجود آن‌ها هویت اسلامی و ایرانی را تقویت کنیم. همه عرصه‌ها و ابعاد هویت، واجد نقاط درخشانی هستند که گاهی یکی از آن‌ها می‌تواند سرنوشت یک ملت را عوض کند.

منبع

حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه». فصلنامه مطالعات ملی. ش ۵.